

سنگسار

آدمکشی به سبک

عصر حجر

برنامه ای از

« دُرّ تی - وی »

«سنگسار برخلاف قرآن مجید است»

پس از اینکه ما برنامه ای در مورد مقوله رجم (سنگسار، آدمکشی به سبک عصر حجر- فصل اول) تهیه کردیم و مطلبی که در آن عنوان شده بود مورد توجه فضلاء، علماء، دانشمندان، مراجع عظام و اسلام شناسان قرار گرفت و انتشار وسیع پیدا کرد، امیدوار بودیم که به درخواست انسانی از قوه قضائیه و قضات محترم توجه شود و انجام اموری که تنها سبب "وهن اسلام" می شود، صورت نپذیرد.



آیت الله ساهرودی، رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی

به عبارت دیگر هدف از تشکیل یک "نظام"، "برقراری عدالت" است و نظامی که خود را نظام الهی معرفی می کند یا به نحوی از انحاء زمینه ساز ظهور منجی عالم بشریت در دوران غیبت را قلمداد می کند باید بیشتر از نظامهای سکولار و غیرالهی به "عدالت" توجه داشته باشد، «عدالت در جامعه» با اعمال خشونت پیاده نمی گردد و سرکوب و سنگسار تنها نتیجه عکس خواهد داد. بدین ترتیب نه فقط عدالت در جامعه برقرار نمی شود بلکه اساس آن نظام نیز در معرض توهین قرار می گیرد.

در دوران « نانو تکنولوژی » ، سنگسار آخرین سنگر عصر حجر است که همچنان
در ایران برقرار باقی مانده !!



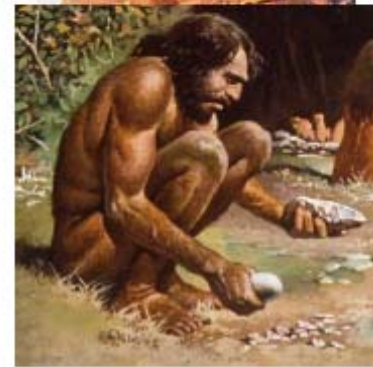
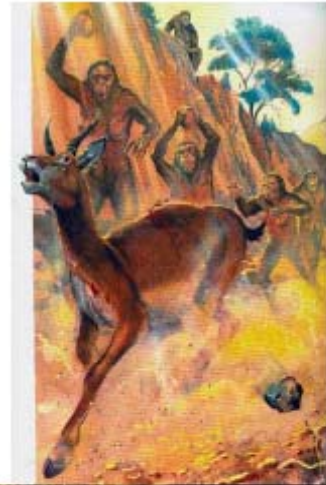
آیت الله شاهرودی، رئیس قوه قضائیه در جمهوری اسلامی

به عنوان ریاست قوه قضائیه بیش از این اجازه ندهید تا این نماد موهن سبب « وهن
« اسلام عزیز شود.

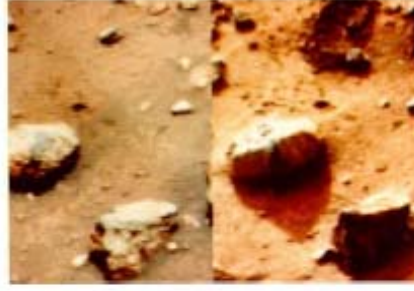
هر فرد باید توجه داشته باشد که انجام فعلی موهن از جانب وی به وهن کل یک سیستم خواهد انجامید



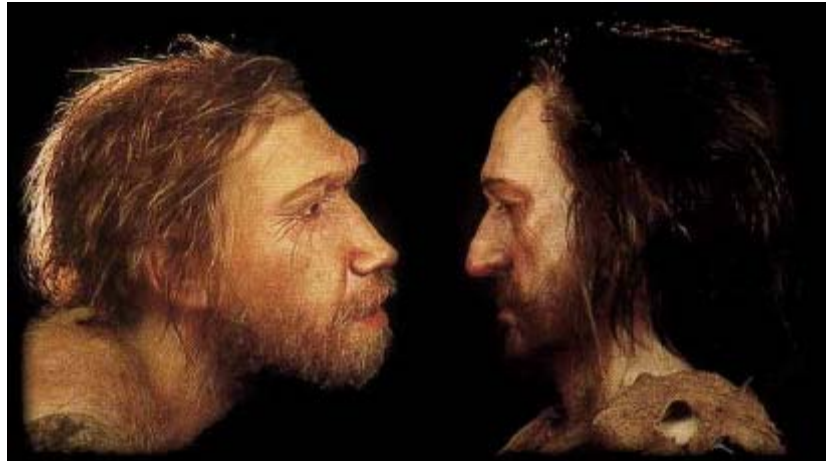
در مقولات گذشته سنگسار بیان کردیم که پرتاب سنگ به قصد از پا در آوردن موجودی زنده یک نحوه از اعمال جاری عصر حجر یا دوران استفاده از سنگ بوده است.



مردمان اولیه در گروههایی نسبتاً قلیل و کم جمعیت می زیستند و دلیل این گروهی زیستن آنها نداشتن چنگال و دندان و قدرت بازوی مطلوب برای مقابله با جانوران وحشی بود که در طبیعت اطراف وجود داشتند. برای این گروه از مردم بهترین وسیله دفاعی برداشتن و پرتاب سنگهایی بود که در روی زمین وجود داشت.



ماجرای مردمان عصر حجر که اکنون در حال بحث راجع به آن هستیم به ابتدائی ترین شکل پیدایش هومو ارکتوس حدود یک میلیون سال پیش باز می گردد تا می رسیم به دوران میمونهای پیشرفته تر بعنوان مثال نئاندرتالینها (neandertalians) و پس از آن آفرینش بنی آدم (homo sapiens sapiens) که ناگهان بر عرصه کره زمین ظهور یافتند.



این موجودات بدلیل نداشتن هیچگونه اطلاع از امور علمی، عناصر، قوانین موجود در طبیعت و ضمنا بخاطر ناچاری برای حفظ بقاء، مقاوم بودن، جنگیدن و دفاع در برابر جانوران مختلف وحشی استفاده از سنگ به عنوان تنها وسیله دفاعی که می توانستند به وفور در طبیعت بیابند و پرتاب آن بود. پس قضیه باز میگردد به حدود یک میلیون سال پیش که اولین میمون پیشرفته از روی زمین سنگی برداشت و آنرا پرتاب کرد. فی الواقع او در آن هنگام از سنگ بعنوان یک وسیله استفاده کرد. حال می رسیم به زمانی که بنی آدم بر روی زمین ظهور یافت و وسیله ای برای دفاع از خود نداشت ضمنا بدلیل فشار گرسنگی و وجوب تغذیه برای زنده ماندن، ناچار به شکار کردن دیگر موجودات به ترتیبی است که در ذیل آمده است.

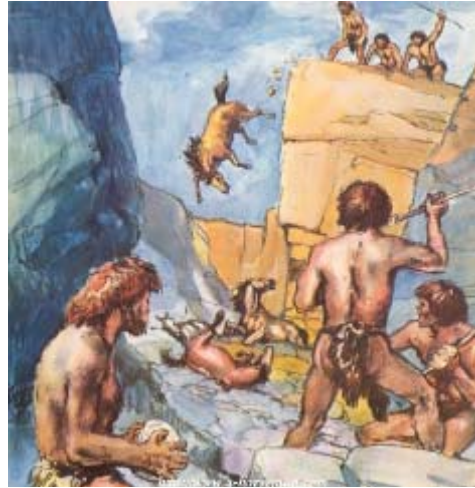
در آثار مکشوفه دیرینه شناسان مشخص شده است که آدم اولیه (بنی آدم) در ابتدای پیدایش برای شکار حیوانات چون می دانست که با تعقیب بعنوان مثال یک گورخر یا گاو وحشی به آن جانور نخواهد رسید لذا گودالی در مسیر حرکت آن جانور حفر می کردند و احتمالا روی آنرا نیز با برگ، علف و غیره می پوشانیدند سپس بطور گروهی و مخفیانه از نقطه مقابل آن گودال و جایی که جانوران مشغول چریدن بودند وارد چراگاه آنها می شدند و ناگهان با ایجاد همهمه سروصدا اقدام به فراری دادن و هدایت آنها به سمت گودال مورد نظری کردند تعدادی از جانوران در حال فرار بدلیل سرعت زیاد متوجه گودال نمی شدند به داخل آن سقوط می کردند. حیوانات مورد شکار این انسانها می توانست گاو وحشی، ماموت، فیل، کرگدن و یا هر جاندار دیگری باشد که این آدمهای اولیه توانائی خوردن گوشت آنرا داشتند. گودال و حفره تعبیه شده هم خیلی عمیق تدارک دیده نمی شد بلکه تا حدی بود که جانور در دام افتاده نتواند با یک خیز از آن بیرون جهد.

پس از گیر افتادن شکار در داخل گودال، شکارچیان اطراف آن حفره جمع می شدند سنگ بر می داشتند و به سمت حیوان گیر افتاده پرتاب می کردند تا زمانی که حیوان بیجان می شد سپس به داخل گودال می رفتند و شکار کشته شده را بیرون می کشیدند، تکه تکه میکردند و می خوردند.

دیرینه شناسان زمان استفاده از این سیستم شکار را توسط بنی آدم در ابتدای پیدایش آن یعنی حدود صد هزار سال پیش تخمین زده اند و در نقاشیهایی که بر روی دیواره غارها کشف شده است آثاری از این نحوه شکار کردن بجا مانده است.



توجه شما خواننده را بدین نکته جلب می کنیم اینکه گودالی حفر شود و موجود زنده ای در آن گودال قرار بگیرد بعد یک عده ای دور آن گودال جمع شوند و با پرتاب سنگ آن موجود زنده را بیجان نمایند، نحوه شکار کردن صد هزار سال پیش و عصر حجر است."



با توجه به مطالبی که در، درسه‌های پیشین بیان کردیم پس از تبدیل گروه‌های کوچک به قبیله و اسکان قبیله و بوجود آمدن دولت شهرها، باز هم برای مجازات یک فرد مجرم و کسی که اتهامی به وی زده شده بود آن فرد را در گودالی قرار می‌دادند و به همان شیوه شکار در ابتدای پیدایش بنی آدم که در بالا گفته شد، فرد مجرم و متهم را سنگباران می‌کردند تا کشته می‌شد و این شیوه مجازات عصر حجر بود.

اکنون ما در قرن بیست و یکم یعنی عصر تحول اندیشه و ارزشها بسر می‌بریم

«سنگسار برخلاف قرآن مجید است»

سنگسار هیچ ارتباطی به دین اسلام ندارد. پایه‌های دین اسلام بر روی قرآن استوار است و نمی‌توان بدلیل عدم وجود موضوعی در قرآن مجید به روایات رجوع کرد و آنرا کافی دانست بدلیلی که در ادامه ذکر خواهد شد.

در کتب علم فقه که در زمینه‌های مختلف حقوقی نوشته شده است قوانینی وجود دارد که از قانونهای فردی-عبادی بعنوان مثال اینکه از چه زمانی دستور نماز آمده است؟ و قوانین اجتماعی که باز هم برای نمونه مانند قربانی کردن در مراسم حج، طبخ غذا یا استفاده و عدم استفاده از چه نوع گوشت که در قرآن مجید دستور داده شده است.

این قوانین از امور کلی تا جزئی در قرآن مجید موجود است و به عنوان نه فقط خود قوانین اسلامی بلکه بعنوان پایه استنباط قوانین اسلامی و به عنوان ادوار فقه موجود و در دست می‌باشد که در چه تاریخی کدام قانون آمده است. ذکر این مطلب بسیار مهم است که **ما در قرآن مجید هیچ قانونی ناظر بر سنگسار نداریم یعنی سنگسار جزء قوانین و مجازاتهای داخل بر قوانین قرآنی نیست.** اما نکته مهمتری که ما بدان اشاره خواهیم کرد در جواب آندسته از کسانی است که بیان می‌دارند "اگرچه سنگسار در قرآن مجید وجود ندارد ولی در روایات آمده است و ما طبق روایات عمل می‌کنیم و سنگسار را ادامه خواهیم داد".

در پاسخ به این افراد عرض می‌کنم که اگر کسی ادعایی داشته باشد مبنی بر اینکه رجم یا سنگسار در قرآن مجید بیان نگردیده، به غلط عنوان مطلب کرده است که صحیح آنرا در ادامه خواهیم آورد که **رجم در قرآن مجید بیان شده ولی بعنوان یکی از موارد قانون مجازات اسلامی گفته نشده است.**

در بحثهای قبل بطور مفصل توضیح داده شد اما یاد آوری آن ضروری بنظر می‌رسد، قوانین موجود در قرآن مجید که پایه و اساس اسلام را تشکیل می‌دهد به دو بخش تقسیم می‌گردد:

1- قوانین تاسیسی

2- قوانین امضائی

قوانین تاسیسی چیست و قوانین امضائی کدام است؟

پیش از نزول قرآن مجید در میان جوامع، گروه‌ها، قبایل یا عشیره‌هایی که در آن ناحیه زندگی می‌کردند قوانینی وجود داشت یعنی هر کدام از طایفه‌های مسیحیان یا یهودیان قوانین خاص خود را داشتند. طوایف دیگری نیز در آن دوره معروف به جاهلیت موجود بودند که آنها نیز دارای قوانین خاص خود بودند و آنها اجرا می‌کردند.

پس از نزول قرآن مجید بسیاری از قوانینی که قبلاً نیز وجود داشت با قید تعدیل یا به همان شکل پیشین به تصویب قرآن مجید تنفیذ شد تا اجرای آن ادامه یابد. قوانین امضائی از جمله همین قانونهایی است که قبلاً نیز وجود داشت و دوباره پس از نزول قرآن مجید در آن به تصویب رسید و تنفیذ شد. مصطلح شدن این موارد بعنوان قوانین امضائی بدین علت است که این قوانین همانطور که قبلاً نیز وجود داشت به تصویب رسید و ادامه اجرای آنها شارع مقدس قبول و امضاء فرموده و با امضای خود آنها تنفیذ کرده و بدان جنبه اسلامی بخشیده است.

قوانین تاسیسی یعنی آندسته از قانونهایی که قبل از ظهور اسلام و پیش از نزول قرآن مجید وجود نداشته و شارع مقدس آنها وضع فرموده است.

آیا سنگسار داخل در قوانین مجازات اسلامی بر مبنای تعریف قرآن مجید هست یا خیر؟ اگر هست در کدام دسته از قوانین امضائی یا تاسیسی قرار می‌گیرد؟

در بررسی ادوار فقه می‌بینیم اصولاً بحث سنگسار یا رجم بعنوان یک قانون از قوانین مجازات اسلامی وارد نشده است و بر طبق قوانین تاسیسی شارع مقدس دستور به سنگسار فرد مجرم نداده و همچنین بر طبق قوانین امضائی نیز شارع مقدس فرموده است، سنگسار باید همانگونه که قبلاً انجام می‌گرفت ادامه یابد یعنی هیچ نوع از قوانین امضائی یا دستوری مبنی بر اجرای سنگسار در ادوار فقه وجود ندارد و قرآن مجید مطلقاً در مورد سنگسار بعنوان یکی از مواد قانون مجازات اسلامی نظر نداده است.

نتیجه اینکه سنگسار بعنوان یکی از مواد قانون مجازات اسلامی در قرآن جایی ندارد. اما قرآن مجید در مورد سنگسار ساکت نیست و آنها بصورت یک عمل عهد دقیانوسی در سوره "کهف" مطرح کرده است. همچنین در سوره مبارکه "یس" سنگسار به عنوان مجازاتی که اصحاب زر، زور، تزویر، ستمگران، ظالمین و سرکوبگران یا کسانی که سد راه خدا می‌شوند علیه مرسلان و رسولان بکار گرفته اند که در فصل اول گفتار بیان گردید.

پس نمی‌توان گفت که قرآن سنگسار را نمی‌شناسد بلکه آنها می‌شناسد و در مورد آن گفتگو می‌کند اما باید توجه داشت که از آن بعنوان یکی از مواد اجرایی قانون ضداسلامی که توسط رهبران ضد اسلام (با توجه به معنی موسع اسلام) انجام می‌شده است نام می‌برد.

راه انبیاء از آدم تا خاتم‌الی‌پایان عالم که راه رشد و توحید است در قرآن مجید اسلام نامیده شده است که منحصر به شریعت رسول اکرم حضرت محمدبن عبدالله (ص) نیست بلکه شامل آن می‌باشد. بطور خلاصه راه توحید در قرآن مجید، اسلام نامیده شده است.

در قانون مجازات اسلامی به معنی موسع کلمه و در قوانین مجازات اسلامی به معنای مضیق کلمه یعنی شریعت محمدی (ص) رجم هیچ جایی ندارد اما در قانون مجازات ضد توحیدی و اسلامی موجود است.

قرآن مجید تقسیم‌بندی را انجام می‌دهد و بیان می‌دارد "قد تبین الرشد من الغی" یعنی رشد از "غی" یا گمراهی منفک است و راه رشد و توحید را اسلام می‌نامد در ادامه می‌فرماید "فمن یکفر بالطاغوت و یومن بالله" یعنی کسانی که کفر می‌ورزند به طاغوت و به خداوند ایمان می‌آورند.

پس در این راه رشد و توحید که راه ایمان به خداوند است قانون سنگسار موجود نیست. اما قرآن بیان می‌کند که در راه و روش طاغوتیان برای مانع شدن مقابل رسولان به منظور اجرا نشدن ماموریت آنها و جلوگیری از ارتباط این رسولان با مردم، قانون رجم و سنگسار وجود داشت و انجام می‌پذیرفت. یعنی یکی از نمادها و نشانه‌های قانون مجازات ضد اسلامی و طاغوتی سنگسار است.

پس ما نمی‌توانیم بدلیل اینکه سنگسار در قرآن وجود ندارد به روایات رجوع کنیم زیرا رجم در قرآن مجید وجود دارد اما نه بصورت یک مجازات اسلامی بلکه بعنوان مجازاتی طاغوتی و ضد اسلامی بیان گردیده است و مناط سنجش کار ما قرآن مجید می‌باشد اما بخاطر گفتار آندسته از افرادی که به روایات رجوع می‌کنند، روایات را نیز مورد بررسی قرار می‌دهیم.

ما در زمینه جستجوی روایات در باب رجم، با یک سنگواره مسیحی در رابطه با سنگسار " سنت استفانوس " " saint stefanus " برخورد کردیم به همان کیفیتی که بیشتر ذکر شد یعنی در این سنگواره نشان داده می شود این قدیس تا ناحیه کمر داخل گودال قرار گرفته است در بیرون گودال جبارین و ظالمین ایستاده اند و در حال پرتاب سنگهایی بالنسبه نه خیلی درشت به سمت وی هستند تا او را به شهادت برسانند.



این سنگواره ها نشان می دهد که اینگونه اعمال دقیقاً به همان صورت و سیستمی که باید گودالی کنده شود و شخص تا ناحیه کمر در گودال قرار داشته و اندازه سنگها نیز مشخص و معین باشد در عهد قدیانس وجود داشت و بعداً اینگونه اعمال را به معصومین منسوب نموده اند. اینگونه روایات محل است و با نص قرآن مجید اغتشاش ایجاد می کند به همین دلیل وقتی در تعارض و تناقض با روح منطق قرآن مجید قرار می گیرد شما چگونه می توانید به روایات خودت استناد کنید؟ بلکه این روایات قابل استناد نیست و آنرا به معصومین نسبت داده و بسته اند. اصولاً بحث روایت باید مو شکافی گردد و نمی توان از کنار آن بسادگی گذشت تا هر کسی با مستمسک قرار دادن روایات هر کاری را که خواست انجام دهد آنگاه بگوید ما مستمسک و متمسک به روایات می شویم.

"مبنای اسلام قرآن است"

حال چرا نمی توان مجازات سنگسار را اجرا نمود؟

اجرای سنگسار نشانه یک نظام طاغوتی است. پس از اینکه ما مطرح کردیم که سنگسار در قرآن مجید بعنوان یکی از مواد قانون جزای اسلامی وجود ندارد، علاقمندان به عرایض بنده از آقایان مراجع استفسار و استفتاء

نمودند آقایان مراجع به "اجماع" جواب فرمودند که سنگسار در قرآن بعنوان یکی از مواد قانون مجازات اسلامی وجود ندارد باید توجه داشت که بر روی این نظر از جانب آقایان مراجع "اجماع" وجود دارد.

حال علاوه بر این مطالبی که عرض کردم مطلب دیگری که به آن اضافه می شود این است که ضمن استفسار و استفتاء از آقایان مراجع، **حضرت آیت الله العظمای ناصر مکارم شیرازی** در فتوای جوابیه ای که به این استفتاء داده شده است به صراحت مرقوم فرموده اند، که **قانون رجم (سنگسار) در روایات جایگاه محکمی دارد یعنی این مجازات بعنوان جزای اسلامی نه در حدیث و سنت رسول اکرم و نه در آیات شریفه قرآن مجید جایی ندارد در ادامه اضافه فرموده اند که به نظر ایشان باید قانون دیگری جایگزین سنگسار که اکنون در قوانین مجازات جمهوری اسلامی موجود است گردد** این مطلبی است که کتباً با قید تاریخ و شماره فتوا از جانب آیت الله العظمای ناصر مکارم شیرازی جواب داده شده است و ما آنرا منتشر کرده ایم.

اگر دلایل گفته شده برای عدم اجرای سنگسار تاکنون را بطور خلاصه بیان نمایم:

- 1- مخالفت مُحَرَز با قرآن مجید است و در قوانین اسلامی قرآن مجید وجود ندارد
- 2- دلیل بعدی اجماع عموم آقایان مراجع عظام است که قانون مجازات سنگسار به عنوان یکی از مواد قانون جزای اسلامی در قرآن مجید وجود ندارد.
- 3- این که آقایان علماء بعنوان مثال **حضرت آیت الله العظمای ناصر مکارم شیرازی** از قم کتباً این فتوا را صادر کرده اند و بیان فرموده اند که باید این قانون مجازات کنار گذاشته و با قانون مجازات دیگری تعویض شود.

دلیل چهارم اینکه پیرو مطالبی که عرض شد وقتی گفتارها مورد توجه و دقت قرار گرفته است حاصل آن شد که **حضرت آیت الله شاهرودی مقام ریاست قوه قضائیه** به تمامی دادگاههای سراسر کشور دستور اکید فرموده اند که **"مجازات سنگسار را موقوف کنید"** یعنی اجرای مجازات سنگسار که اشتباهاً وارد قوانین اسلامی گردیده است شده است باید متوقف گردد.

دلیل پنجم برای اجرا نشدن این مجازات این است که چه کسی می خواهد آنرا اجرا کند؟ زیرا در ایران که این قوانین مجازات وجود دارد و فقه شیعه در آنجا حاکم است و گفته می شود که خواهان زمینه سازی برای ظهور منجی عالم بشریت می باشند که در دوران غیبت بنا به نظر فقها من جمله **حضرت آیت الله العظمای صانعی** از قم اجرای حدود در دوران غیبت اصلاً جایز نیست، پس چطور یک قاضی می خواهد خود را بجای امام غایب گذارده و می گوید که من می خواهم این حکم و مجازات اجرا شود؟

اما بالاتر از همه این دلایل که تاکنون ذکر شد توجه شما را بدین نکته جلب می کنم که اصلاً اساس فلسفه وجودی یک سیستم و نظام حکومتی برای چیست؟

اساس فلسفه وجودی یک سیستم و نظام حکومتی برای برقراری **عدالت براساس اصل توحید** است و اصل توحید همان چیزی است که در ژرفنای نام اسلام وجود دارد پس انجام هر عملی که سبب "وهن اسلام" شود اشکال دارد و جایز نیست. به همین دلیل اگرچه سنگسار اشتباهاً به عنوان یکی از مواد قانون جزای اسلامی وارد مجموعه قوانین جزای جمهوری اسلامی شده است اما در دوران بنیانگذار انقلاب، ایشان دستور اکید به اجرا نشدن این حکم داده بودند زیرا سبب و هُن اسلام می شود. اکنون نیز فقهای عظام همین نظر را دارند یعنی در فتاوی و استفتائاتی که از اکثریت علما در دست داریم عیناً همین مطلب را عنوان نموده اند که چون صورت گرفتن این عمل سبب و هُن اسلام میگردد لذا نباید انجام پذیرد.

وهن به چه معناست؟

وهن یعنی شکستن حرمت اسلام، قرآن مجید، پیغمبر اکرم (ص) و آوردن این اندیشه خطا به ذهن دیگران که اسلام مکتبی است متعلق به عصر حجر که آدمکشی به سبک عصر حجر را جایز می‌داند و بنام اسلام با جان انسانها بازی می‌شود.

در واقع آن شخص با صدور چنین حکمی با اسلام و به نام اسلام با جان انسانها بازی می‌کند و نتیجه عمل او جز ایجاد اینهمه حملات مداوم نسبت به ایران، اسلام، قرآن و اتفاقاتی که در پی آن رخ می‌دهد و واکنشهایی که صورت می‌پذیرد نیست. که نمونه آن مطالبی بود که متأسفانه در غرب علیه اسلام و قرآن بطور مرتب نوشته و ایراد شد.

زیرا برداشت آنها این است که دستور انجام این امورات جانب قرآن مجید می‌باشد به این ترتیب خشم خود را علیه قرآن مجید ابراز می‌دارند و در این میان ما مسئولیم زیرا آنها بی‌اطلاعند.

آنگاه که ما یک عمل خطا و موهنی علیه ارزشهای اسلامی خود انجام می‌دهیم چگونه انتظار می‌توان داشت که دیگران در جهان سکوت اختیار کنند و حرفی نزنند؟ چرا باید مردم را تحریک به انجام عکس العملی مخالف اسلام نمائیم؟ و انجام ایجاد تحریکات علیه اسلام یعنی **وهن** بهمین دلیل در همان ابتدای امر **آیت الله العظمی مرحوم خمینی** فرمودند که اگرچه این مجازات بعنوان یکی از مواد در قانون مجازات اسلامی آورده شده است ولی نباید انجام گیرد زیرا باعث و هن اسلام می‌گردد یعنی خدای ناکرده مردم به اسلام ناسزا خواهند گفت و به قرآن ایراد خواهند گرفت.

آن شخص و قاضی که علیرغم منع آیت الله شاهرودی و مراجع عظام باز هم به تشخیص خود امر و حکم به این کار می‌کند کیست؟

این فرد با این عمل به اسلام توهین می‌کند و با سوء نیت به این عمل مبادرت می‌ورزد و باید اخراج شود زیرا که اینکار جنایت به نام اسلام است و علیه آن است. چگونه یک فرد می‌تواند هر آنچه خواست بگوید و اینهمه آبروریزی بین المللی و توهین به قرآن ایجاد کند؟ مردم درجهان نهایتاً به قرآن مجید فحش و ناسزا خواهند گفت نعوذ بالله. و مسئول این توهینها کسی نیست جز همین شخص که دارد حرمت قرآن مجید را می‌شکند این شخص در منصبی نشسته است بنام **منصب قضا** که صلاحیت احراز این منصب را ندارد پس باید او را اخراج نمود.

بدتر از همه این است، دیوان عالی کشور که رأی این قاضی را برای مجازات سنگسار تنفیذ کرده قید نموده است که این قاضی بنا به تشخیص شخصی خود حکم سنگسار را در مورد این متهم صادر کرده است.

چگونه این قاضی می‌تواند بنا به تشخیص خود حکم سنگسار را صادر نماید؟ اصلاً مجازات رجم در مورد زنانی محصنه قابل اثبات نیست زیرا خود فرد اعتراف نکرده است و چهار شاهد عادل نیز وجود ندارند پس زمانی که اعترافی از جانب متهم مبنی بر وقوع جرم صورت پذیرفته وجود ندارد و شهادی نیز علیه متهم شهادت نداده است چطور یک قاضی می‌تواند اثبات چنین جرمی را احراز کرده باشد؟ مگر اینکه این قاضی دشمنی شخصی با متهم داشته و خواهان تسویه حساب شخصی با وی باشد.

اما روی صحبتیم با شماس است جناب آیت الله شاهرودی، چگونه اجازه خواهید داد که این حکم انجام پذیرد؟ اگر فردا در جهان بانگ اعتراض بین المللی علیه اسلام و قرآن مجید برخاست شما مسئول خواهید بود. هم اکنون باید جلوی این اتفاق را گرفت و هر چه سریعتر این حکم لغو و آن قاضی بی‌لیاقت را اخراج نمود.

با توجه به اینکه شخص متهم اعتراف به جرم خود نکرده پس جرمی مرتکب نشده است چون جرم وی قابل احراز نیست لو فرض اگر خطانی با عنوانی که برای وی قائل شده اند یعنی زنان محصنه نیز صورت گرفته باشد می‌تواند توبه از گناه نماید زیرا در قرآن مجید این موضوع تصریح شده است که **باب توبه و رحمت همواره باز و تا فرد زنده است می‌تواند توبه از گناه و طلب مغفرت از خداوند نماید** به همین دلیل این مطلب با فلسفه اسلام که مبتنی بر رحمت است در تعارض می‌باشد و این قاضی با اجرای چنین حکمی خواهان نشان دادن یک چهره خشن و خشونت آمیز و بربریت وار و متعلق به عصر حجر از اسلام است پس وی مجرم می‌باشد و باید از کاربرکنار گردد و شخصی با لیاقت و صلاحیت بر جای او گمارده شود در غیر

اینصورت این موضوع عکس العملهای بین المللی وحشتناک نسبت به قرآن مجید و اسلام ایجاد خواهد کرد پس باید تمامی کسانی که دلسوز و مصلحت اندیش هستند نتایج آتی این اتفاق را در نظر گیرند و مانع از انجام آن گردند.

خداوند یارو یاور شما یاران گرامی باد

دکتر سید مصطفی آزمایش